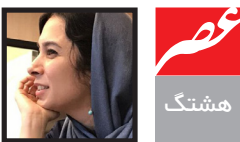


## #اکبر طبری

یگانه خدای  
خبرنگار



سومین جلسه دادگاه اکبر طبری برگزار شد و این بار هم دفاعیات طبری، حرف‌های وکیلش و رقم‌های رشوه‌هایی که طبری متهم به دریافت آنهاست واکنش‌های زیادی در شبکه‌های اجتماعی همراه داشت. عکس‌هایی از ورود طبری به سومین جلسه دادگاه و در حالی که داشت عکس خود را در صفحه اول روزنامه «آفتاب یزد» می‌دید توسط کاربران باز نشر می‌شد و خیلی‌ها درباره حرف‌های طبری و ادعاهایش نوشتند: «اکبر طبری محبوب دل متهمان اقتصادی. کارش هم تکیه! این پول و املاک رو هم از حقوق ماهانه‌اش به دست آورده»

«در ماجرای اکبر طبری محبوب قلوب متهمان اقتصادی شجاعت نماینده جوان دادستان رسول قهرمانی ستودنی است.» «سلطان انکار اکبر طبری فرمودند: تمام جابه‌جایی وجوه بین خودش و مشایخ برای ساخت و ساز بوده. پ ن: متهم کاخ سفید رو ساخته، ما خبر نداشتیم»

«می‌دونی ۸ میلیارد سال ۸۴ یعنی چی؟ یعنی حساب که می‌کنم برق از کله‌ام می‌پره» «باورتون میشه اکبر طبری تویه مورد فقط در سال ۸۴ بیشتر از ۸ میلیارد تومان دستمزد قرارداد (رشوه) گرفته؟ آقای طبری! بسه دیگه ما رو نخندون رفیق پولدار که هیچ، غول چراغ جادو هم همچین آرزویی رو برآورده نمیکنه»

«اکبر طبری تا به حال نه اتهام رشوه رو قبول کرده نه پولشویی و نه اختلاس رو. تنها چیزی که قبول کرده این بوده که دوستانی داره بهتر از برگ درخت که دعایش گویند و هر چیز که بخواهد به نامش بکنند.»

«بابا این بنده خدا رو اشتباهی گرفتن! رفاقتی برایش کارخونه خریدن زمین تو لواسانات دادن! این آدم داره از رفاقت ضربه می‌خوره» «واقعاً آقای قهرمانی یک تنه طبری رو بیچاره کرده تا اینجا کار!»

«طبری متهم است از سال ۸۴ تا ۸۶ حدود ۵/۸ میلیارد تومان رشوه فقط در یک فقره پرونده دریافت کرده. حباب واقعی طبری، نه بورس» «جا داره طبری عنوان پررترین مفسد اقتصادی رو بگیره.»

## همکاری‌های درخشان با علی حاتمی

بخش مهمی از کارنامه کشاورز را با آثار علی حاتمی به یاد می‌آوریم. نقش دشوار شعبان استخوانی در سریال «هزارستان» شاه‌نقشی در کارنامه کشاورز بود. نقشی که به دلیل گریم سنگین و ویژگی‌های شخصیت می‌توانست اغراق‌آمیز و غیرقابل باور باشد، اما کشاورز آنچنان دقیق و ظریف وجه لمپن شخصیت شعبان را برجسته کرد که در کنار انبوهی شخصیت جذاب و پیچیده سریال، این شخصیت پرهیاهو و پراکت در ذهن بیننده جامی گرفت و گاهی با وجود ابعاد تاریکش، قابل ترحم می‌شد.

کشاورز در «مادر» و با نقش محمدابراهیم به شکلی دیگر نقش یک لمپن شکست خورده و تنها را بازی کرد. در میان فرزندان مادر که هر کدام در دسر و گرفتاری داشتند، محمدابراهیم ظاهری خشن و زبانی تند داشت. محروم از محبت خانواده و درمانده از ارتباط با برادرها و خواهرها. این وجوه به این شخصیت که ظاهراً پرخاشگر و ستیزه‌جو به نظر می‌رسید، عمق می‌داد و او را دوست داشتنی و قابل ترحم می‌کرد. در «کمال‌الملک» نقش اتابک اعظم شاید در نگاه اول ویژگی برجسته نداشته باشد، اما اجرای توأم با وقار و آرامش کشاورز لباسی برازنده برای شخصیت باهوش اتابک بود. کاری که در سریال «سلطان و شبان» هم انجام داد. او می‌توانست زیرکی، پیچیدگی و خردمندی را توأمان به بیننده نشان بدهد. تفاوت این نقش‌های به ظاهر ساده با نقش‌های برون‌گرایانه‌اش (محمدابراهیم و شعبان) نشان دهنده توانایی او در روزهایی است که هنوز سال‌خوردگی مغلوبش نکرده بود.

## به یادماندن در نقشی خاص

کشاورز در یکی از بزرگترین اتفاق‌های هنری کارنامه‌اش فرصت همکاری با عباس کیارستمی را به دست آورد. کیارستمی کمتر به استفاده از بازیگر حرفه‌ای تن می‌داد و دوست داشت از نابازیگران در فیلم‌هایش استفاده کند. کشاورز برآمده از تئاتر، موسفید کرده در سینما و تلویزیون در این فیلم حضوری دلنشین و متناسب با فضای واقع‌گرا و مستندگونه آن دارد. او در آغاز فیلم زیر درختان زیتون مقابل دوربین می‌ایستد، خودش را معرفی می‌کند و می‌گوید نقش کارگردان را بازی می‌کند. پس از آن، با صدای خوب و آرامش و وقار همیشگی بدون آنکه تجربه و سوابقش را به یاد تماشاگر فیلم بیندازد در فضایی که کیارستمی و نابازیگران‌ش خلق می‌کنند حل شده و نقش را زندگی می‌کند.



محمد علی کشاورز درگذشت

# پایان بازی

محدثه واعظی‌پور  
خبرنگار

شخصیتی که با خود به نقش اضافه می‌کرد.

نقطه عطف کارنامه بازیگری محمدعلی کشاورز در سال‌های پس از پیروزی انقلاب با «پدر سالار» رقم خورد. سریالی که به محبوبیت بیشتر او انجامید، آنهم در شصت و چند سالگی. کشاورز در این سریال نقش مردی را بازی کرد که در دل سنت و وابستگی‌های خانوادگی رشد کرده و چندان با مناسبات جامعه تازه همخوانی ندارد. اسدالله خان آمیزه‌ای از مهر و خشم بود. شخصیتی خاکستری که مردم دوستش داشتند و او را نماد دورانی پایان یافته می‌دانستند. پس از «پدر سالار» او در سریال‌های مختلفی بازی کرد اما هیچ یک به اندازه آن مجموعه مخاطب نداشت.

## خدا حافظی با پدر سالار

معمولاً همین‌طور است، بازیگران نقش‌هایی متفاوت و متنوع بازی می‌کنند اما اغلب با یکی دو نقش در ذهن دوستدارانشان یا منتقدان باقی می‌مانند. برای مردم، مردمی که هنوز در پخش‌های چند باره سریال «پدر سالار» پای آن می‌نشینند، کشاورز با نقش اسدالله واعظیان در یادها مانده است. نمادی از پدر ایرانی که حضوری پررنگ در مناسبات فردی و اجتماعی فرزندان داشت. برای منتقدان و سینمادوستان، نقش‌های خوب کارنامه‌او کم نیستند. کارنامه‌ای که اگر چه همه‌اش فراز نبود، اما با تاریخ سینما، تئاتر و تلویزیون ایران گره خورده است. روحش شاد.

از میان آن جمع محدود، بازیگران میانسال اما با سابقه دهه شصت که سابقه تئاتری داشتند، یکی دیگر هم از این دنیا رخت بربست و به داوود رشیدی، جمشید مشایخی و عزت‌الله انتظامی پیوست. بازیگرانی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به دلیل تغییر فضای سینما توانستند دوران‌گذار را به سلامت پشت سر بگذارند و به حیات حرفه‌ای‌شان ادامه دهند. بازیگرانی با وجهه تئاتری و کارنامه‌ای قابل قبول در سینمای متفاوت با جریان غالب که اعتبار و آبروی سینمای پس از انقلاب شدند و زمینه تولد نسلی تازه از بازیگران و سینماگران را فراهم کردند. در آن سال‌های پر فراز و نشیب و روزهای پرمخاطره، اگر این نسل از بازیگران و سینماگران موج نو نبودند شاید سینما مسیری دیگر می‌یافت یا فراموش و ممنوع می‌شد. محمدعلی کشاورز مانند دوستان هم‌نسلش از تئاتر آمده بود، سینمای موج نو و جریان هنری را تجربه کرده و با داریوش مهرجویی، ابراهیم گلستان، ناصر تقوایی و بهرام بیضایی کار کرده بود. دهه شصت، سال‌های پرکاری او در سینما و تلویزیون بود. در سال‌هایی که کمتر فرصت یافت به تئاتر بازگردد در مجموعه‌های تاریخی بزرگ (سربداران و هزارستان) مقابل دوربین رفت و در فیلم‌هایی متعدد نقش آفرینی کرد. اغلب دوبلورها، به جایش صحبت کردند در حالی که صدایش گرم و دوست‌داشتنی بود و لحنش، بخشی از